

مدیرکل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات: صید کیلکا ماهیان دریای خزر به ۳ هزار و ۲۸۸ تن رسید



بر اساس آخرین آمار ارائه شده، میزان صید کیلکا ماهیان دریای خزر توسط ۷۱ فرود شناور کیلکاگیر به ۳ هزار و ۲۸۸ تن رسید.

به گزارش اقتصادسراسر آمد، رضا عباسپور نادری با اشاره به اینکه صید کیلکا ماهیان دریای خزر از ابتدای تیر ماه امسال آغاز شده است، گفت: بر اساس آخرین آمار ارائه شده، میزان صید کیلکا ماهیان دریای خزر به ۳ هزار و ۲۸۸ تن رسید.

وی با اشاره به اینکه در مدت مشابه سال گذشته میزان صید ۳ هزار و ۵۴۵ تن کیلکا ماهی به ثبت رسیده بود، اظهار کرد: صید امسال تا کنون حاکسی از کاهش ۷ درصدی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته است. وی با اشاره به اینکه سال گذشته ۷۳ فرود شناور کیلکاگیر در آب‌های استان‌های مازندران و گیلان به صید کیلکا اشتغال داشتند، بیان کرد: امسال با حذف دو فرود شناور از چرخه صیادی کیلکا، تعداد شناورهای فعال به ۷۱ فرود کاهش یافت.

مدیرکل دفتر امور صید و صیادی سازمان شیلات ایران، سرانه صید هر شناور را امسال ۴۶ تن اعلام و تصریح کرد: سال گذشته این سرانه ۴۹ تن برای هر شناور بود که در نتیجه امسال با کاهش حدود ۵ درصدی همراه هستیم.

وی با اشاره به اینکه مجموع شب‌های دریاروی امسال در مقایسه با سال گذشته بارشند ۵ درصدی همراه بوده است، گفت: امسال دو هزار و ۲۵۹ شب دریاروی داشته‌ایم در حالی‌که سال گذشته در همین مدت دو هزار و ۱۳۹ شب دریاروی به ثبت رسیده بود.عباسپور نادری با اشاره به اینکه امسال ۴۲ فرود شناور کیلکاگیر به صید این گونه ماهی در آب‌های استان مازندران اشتغال دارند، عنوان کرد: از مجموع صید اعلام شده هزار و ۸۷۴ تن به صیادان این استان تعلق دارد که با رشد ۳ درصدی نسبت به سال ماقبل آن همراه است.

«هاسازی فاضلاب» علت مرگ ماهیان رودخانه درویش آباد مازندران



رئیس اداره محیط زیست محمودآباد رهاسازی فاضلاب بدون رعایت ملاحظات زیست محیطی را دلیل احتمالی و عامل مرگ و میر بیجه ماهیان در رودخانه درویش آباد این شهرستان اعلام کرد.با توجه به گزارش مردمی و ناچیان غریق همراه با پایش زیستِ طبیعی اداره محیط زیست در خصوص تلفات ماهی در رودخانه زنگی‌رود- خط ساحلی روستای درویش‌آباد، موضوع در دستور کار اداره حفاظت محیط زیست شهرستان محمودآباد قرار گرفت.بلافاصله بعد از اعلام خبر، کارشناسان در محل حضور یافته و نسبت به بررسی موضوع و شناسایی منبع آلودگی اقدام کردند.

به گزارش اقتصادسراسر آمد، قهرمان اظهار داشت: با دستور فرماندار و رئیس بخش قضائی سرخ‌رود و با حضور عوامل نیروی انتظامی، کارشناسان محیط زیست، شیلات، دامپزشکی و یگان حفاظت منابع آبی‌ران موضوع مورد بررسی قرار گرفت.

وی افزود: در بررسی به عمل آمده تخلف زیست محیطی مشاهده، تنظیم و جهت پیگیری قضائی به مراجع ذی‌صلاح ارسال شد.

رئیس اداره محیط زیست محمودآباد در خصوص علت تلفات ماهی در رودخانه زنگی‌رود، تصریح کرد: علت تلفات در این رودخانه که مسبوق به سابقه نیز است، رهاسازی فاضلاب بدون رعایت ملاحظات زیست محیطی و ورود ماده شیمیایی بیش از حد مجاز اعلام شده است.

اسماعیلی گفت: این موضوع با نمونه‌برداری از آب رودخانه و آزمایشات از ماهی‌های تلف شده، در دست بررسی بوده چراکه به همت مسئولین شهرستان بیش از ۱۲ میلیون قطعه بیجه ماهی در رودخانه ریخته شد. وی افزود: این اقدام جهت کمک به غای دریای خزر رهاسازی شده و اینگونه اتفاقات در جهت به ثمر نشستن تلاش‌های صورت گرفته، نگران کننده است و خوشبختانه امسال به همت فرماندار و مسئولین این گونه اقدامات موجب موجب ادامه روند حیات در بستر محیط زیست و رودخانه‌ها می‌شود.



چندانی رغبتی به سفر به اردبیل در فصل زمستان ندارند زیرا سختی گردنه ها و زمختی سرما به شما سازگار نیست. تابستان که باشد به سمت اهواز نمی رویم. خوزستان داغ می شود و زمان تفریح و شادی را برای مسافر محدود می کند. اما بوشهر در فصل بهار دل کش با درختان زیبا و ساحل دوست داشتنی و تمیز به روی ما لیخند می زند. پس کو گردشگران انبوهی که سراسر ساحل را به شور و هیجان تبدیل کنند؟ اشکال کجاست؟

مدیریت شهری

وقتی مردم به این خوبی و هوا به این نیکویی و ساحل به طبیعت به این زیبایی و ساحل به این گستردگی وجود دارد؛ اما گردشگری نیست و کسب و کار رونق ندارد و بوشهر در فقر کار و درآمد است، اشکال فقط یکی است و آن مدیریت شهری است.

نبود برنامه برای توسعه یک بندر به این خوبی، نبود انگیزه برای تلاش و خلاقیت برای ایجاد بسترها و زمینه ها همه

میگو و خرما سه گزینه مهم بود که گاهی مطرح می شد؛ اما این ها را نمی توان خاص و اختصاصی بوشهر دانست. وقتی می پرسیم گز از کجاست؟ همه یک کلمه می گویند اصفهان. سوهان قم و... هر شهری با سوغات خاص خودش معرفی می شود. اما پیرسیم که قدمت سوغات اصفهان یا قم یا کرمانشاه یا همدان یا... چند سال است؟ از روز ازل که نبوده است. همین اصفهان مگر زاییده مدیریت شهری شیخ بهایی نیست؟ چند سال از شروع آن نایمه می گذرد؟ همه این ها برمی گردد به مدیریت شهری. به خلاقیت یک گروه مبتکر و با تلاش و انگیزه مند. می توان به راحتی با توجه به فرهنگ عمومی یک شهر، برای آن شهر طراحی کرد و یک یا چند گزینه به عنوان شاخصه آن شهر تعریف کرد. شما کیاب را در همه جای ایران و جهان می توانید ببینید و بخورید و لذت ببرید، اما فقط در اصفهان آن شهر تعریف کرد. شما کیاب را در همه جای ایران تعریف کرد برای گلپایگان. کیاب خاصی می شود تعریف کرد برای کیاب را همه جا می توانید تهیه کنید اما فقط در میانه می توانید کیاب ساجی بخورید. این ها همه نشان می دهد که مدیریت شهری می تواند یک سازه برای یک شهر تعریف کند و با آن معروفیت پیدا کند. هر کدام از این سازه ها از ازل نبوده اند و شکل گرفته و ساخته و پرداخته شده اند. بوشهر هم می تواند سوغات ویژه و اختصاصی خود را داشته باشد. یک لالچین با سفال می شود شهر جهانی. بوشهر چه مزیت و چه فرصت کشف نشده ای دارد؟ این را سازمان میراث فرهنگی نمی تواند کشف کند؟ نمی تواند سازه خلاقانه ای به



نام بوشهر ثبت کند؟ پس دارد چه می کند؟

هتل و پاساژ

ما نمی دانیم که برنامه شهرداری بوشهر برای ایجاد سازه های روز و مدرن چیست اما جای خالی آن ها را به شدت احساس کردیم. بافت فرسوده بازار با مغازه های اخمو و از عمر گذشته برای بخشی به عنوان بازار قدیم خوب است و برای باقی نه. نبود سازه های شکیل و جذاب یک نقص بزرگ است و می توان با مشوق ها به جذب سرمایه گذار پرداخت و دستی به سر و گوش راسته نادری کشید.

سازه ساحلی

هر شهر بندری با سازه زیبا و با شکوه ساحلی خود شناسنامه می شود. ما چیزی در بوشهر به عنوان یک سازه بندری و یک نماد شهری برجسته ندیدیم. کسی دیده؟

گردشگر باسازه؟

این که اول گردشگر بیاید بعد سازه ها ساخته می شوند یا این

«روزنامه دریایی سرآمد» گزارش می دهد

«شهر بندر بوشهر»

از رویا تا واقعیت

کجایند، گردشگران انبوه ساحل بوشهر!

که اول سازه ها باید باشند تا گردشگر بیاید، قصه معروف مرغ و تخم مرغ است. کدامیک اول باید باشد؟ به نظر می رسد که مدیریت شهری باید برای گردشگر سرمایه گذاری کند. آلاچیق های خوب ساحلی، نیمکت و سایبان متعدد و فضایی که گردشگر چه هتلی باشد چه چادر نشین، لذت ببرد.

چند غذاخوری خوب. همه اش که نمی شود فلافل و پاکور باشد. یا نمی شود به چند هتل رستوران اکثفا کرد. اما می شود با مشوق ها کاری کرد که رستوران های متعدد و شینک چشم نواز و اشتها آور در بوشهر شکل بگیرند. واقعا وضعیت موجود برای یک شهر بندری و یک مرکز استان قابل قبول است؟

تبلیغات مثبت

اما ما بر این باوریم که قبل از سازه و گردشگر، این تبلیغات است که حرف اول را می زند. با استفاده از سرمایه های طبیعی، بومی و اجتماعی می توان کاری کرد که یک منطقه متفاوت تر از همه جا به نظر بیاید. نگاه کنید ببینید آنتالیا چه دارد که این همه سرمایه از ایران خارج می کند؟ تقریبا هیچ. اما تبلیغات آن چنان است که خیلی ها را مشتاق آنتالیا می کند. آیا این تبلیغ برای بوشهر وجود دارد؟ همین اصفهان چه دارد؟ چرا نصف جهان شد؟ بوشهر چه کم از بندر انزلی دارد؟ چه کم از بندرعباس دارد؟ چه کم از شهرهای معمولی دارد؟ مگر این چادرها به این بزرگی و زیبایی و این ساحل به این وسعت نیست؟ مگر بوشهر سرمایه های اجتماعی مانند طارمی ندارد که باعث افتخار همه ایرانی هاست؟ مگر زیست بوم و فرهنگ عمومی زیبا ندارد؟ پس چرا باید برای گردشگران ناشناخته و غیر جذاب باشد؟ چرا همه ساحل در همه سال پر از گردشگر نیست؟

نمایشگاه و جشنواره

برگزاری نمایشگاه ها و جشنواره های ملی و بین المللی یک مسیر بسیار مطمئن برای جذب است. خرج کردن برای این برنامه ها یک نوع سرمایه گذاری است. نویسنده این سطور به بهانه نمایشگاه صنایع دریایی برای اولین بار است که بوشهر را زیارت می کند. از مرشد و از طبیعتش لذت برد و از کمبودها و کاستی ها حسرت خورد. اگر مدیران شهری به تعدد بهانه ایجاد کنند و با نمایشگاه و جشنواره های متعدد، بهانه حضور بسازند به مرور زمان، کمبودها رفع می شوند.

کلام آخر یک پیشنهاد

در کنجکای در شهر متوجه شدیم که فروشگاه هایی برای فروش لوازم ماهیگیری هست. و نیز متوجه شدیم که جاهای مناسبی در بستر ساحل بوشهر برای ماهیگیری با قلاب وجود دارد و می دانیم که این نوع ماهیگیری به شدت بعد تفریحی و نشاط دارد. پیشنهاد می کنیم که سالانه در روزها مشخص و ثابت هر سال، یک جشنواره -مسابقه ماهیگیری با قلاب در بوشهر تعریف و راه اندازی شود و به صورت سراسری برای کل کشور -و حتا در سطح بین الملل- تبلیغ شود. جوایز مناسب و امکانات مناسب فراهم شده و به این وسیله سیل علاقه مندان را به بوشهر جذب کرد. و به نحوی مستمر مدیریت شود تا ماهیگیری با قلاب» شاخصه بندر بوشهر شود و با همین ترفند، به مزایای متعدد آن رسید. شبیه چنین پیشنهادی حتما در درون مردم و مسئولان هست. اگر سازه های فیزیکی یا فرهنگی و یا هر دو ایجاد شود، بوشهر همان بندری می شود که در تصور ماست.

به امید لیخند ششادی و رضایت واقعی مردم دوست داشتنی بوشهر. ما با خاطره خوش از این مردم به سفر خود و گزارش خود پایان می دهیم در حالی که جز حس غرور و ششادی بیشتر، برای این مردم آرزویی نداریم.

مسئولان، لطفا از خواب بیدار شوید که بیداری لذتی دوچندان دارد.

معاون محیط زیست دریایی و تالاب‌های سازمان محیط زیست:

حفاظت از محیط زیست دریایی لازمه توسعه پایدار دریامحور



وی خاطر نشان ساخت: نزدیک به پانصد گونه پرنده که بخش قابل توجهی از آنها برای زمستان گذرانی و جوجه آوری به تالاب‌های ساحلی، مصب‌ها و غیره به این منطقه مهاجرت می‌کنند؛ وجود مناطق حساس و

معرض انقراضی همچون ماهیان ارزشمند خاویاری، ماهی آزاد دریای خزر و ... در کنار حضور تنها پستاندار اندمیک این دریا یعنی فوک دریای خزر حاکسی از وجود محیط زیست دریایی غنی در ایران است.

گروه توسعه دریا- ایرج گلشنی - در شماره پیشین روزنامه دریایی بخش اول این گزارش میدانی گفتیم که مشاهده میدانی خبر نگار روزنامه دریایی اقتصادسراسر آمد در «شهر بندر بوشهر» با تصورات ذهنی مبتنی بر یک شهر بندری، بسیار فاصله داشته و دارد. شهرهای بندری، معمولا جای هستند برای کار و تفریح. انبوهی جمعیت گردشگرانی که برای تفریحات ساحلی و دریایی هجوم می آورند و در طول شب و روز، در ساحل از امکانات دریایی و ساحلی لذت می برند. و هیجان کار و تالاشی که در بین مهندسان و کارگران وجود دارد تا هر چه بیشتر بتوانند بارگیری یا تخلیه بار داشته باشند؛ حالتی که جمعیت بومی جوابگوی کار نیست و سیل کارگران مهاجر را به دنبال دارد. این‌ها دو بعد یکی تصور از یک «شهر بندر» است. در ادامه این گزارش می خوانیم:

از نشانه ها سرزندگی و شادابی در یک شهر بندری، بیدار باش همیشگی است. اما در بوشهر، نزدیک به غروب که می شود، شهر به سوی خواب می رود. مغازه ها شروع به بستن می کنند و ساحل رو به خاموشی می رود. مغازه ها بسته می شوند چون مشتری بومی خریدش را کرده و رفته است و مشتری غیر بومی هم وجود ندارد. ساحل هم خلوت می شود. هم مشتری ندارد و هم امکانات، چند دهه چند ساعتی مقاومت می کنند و سپس همه چیز به خواب فرو می رود.

اشکال کار کجاست؟

شمایی از تصورات و برداشت ها و مشاهدات خود در روزنامه دریایی اقتصادسراسر آمد نوشتیم. در حال استراحت که بودیم، در باره مشاهدات خود با همسفران سخن گفتیم و به این جا می رسم که چرا تصورات ما با واقعیت موجود این هم فاصله دارد. اشکال کجاست؟ آیا توقع ما از شهر بندری بوشهر غلط بوده یا ما تصور درستی داریم و اشکال جای دیگری است؟ واقعا اشکال کجاست؟ نقطه ضعف کجاست؟ کجای کار می‌لنکد؟

اخلاق و فرهنگ عمومی مردم بوشهر

فرهنگ عمومی یک جاذبه یا دافعه بزرگ است. برداشت گردشگران از این خصیصه در انتخاب مقصد گردشگری حرف اول را می زند. ما ایرانی ها چندان به سمت سیستان و بلوچستان نمی رویم. دلیلش فضای منفی است که از آن جا برداشت می‌کنیم. یا تور گردشگری به سمت افغانستان نداریم و دلیلش هم روشن است. از مردم آن سامان برداشت مثبتی نداریم. بر برخی شهرهای ما چنان هستند که معروف اند به یک بار منفی. بوشهر بی شک، مردمی صمیمی و دوست داشتنی دارد. با فرهنگی آمیخته با مهر و محبت. از وقتی که طارمی گل کاشته، بوشهر بیشتر دوست داشتنی شده است. برخورد تیم ما با مردم نیز نشان داد که واقعا مردم بوشهر عشق اند. بسیار مهربان، خوش برخورد و مهمان دوست. این مهر و محبت را هم در فروشنده ها دیدیم، هم در راننده های تاکسی و اسنپ و در کافه‌ها و در جایی که آدرس می پرسیدیم و چه با صفا راهنمایی می کردند و گاهی همراه ما می شدند. اشکال در مردم و فرهنگ عمومی نیست و برداشت منفی هم از مردم و فرهنگ و اخلاقی آن ها وجود ندارد. پس اشکال از کجاست؟

آب و هوا

اشکال دیگر ممکن است به آب و هوا برگردد. برای مثال شما